



# جامعه متحول شده زنان

سعید پیوندی

## در جستجوی جایگاه جدید

جنبشی که به «کمپین یک میلیون

امضاء» معروف شده است بدون تردید یکی از اصیل ترین و مهمترین رویدادهای مطالباتی اجتماعی ایران در سال های گذشته در ایران به شمار می رود. اصالت و خصلت نوآورانه جنبش زنان برای گردآوری یک میلیون امضاء با هدف تغییر و برچیدن قوانین تبعیض آمیز به چهار ویژگی مهم آن مربوط است.

نکته اول به نوع رویکرد جنبش به حرکت اجتماعی و خصلت مدنی و مردمی آن باز می گردد. در نبود رسانه های آزاد سراسری و نیز احزاب و تشکل های مدنی و صنفی که بتوانند نقش چهارچوب واسطه ای را میان شهروندان و نهادهای قدرت ایفا کنند، زنان راه پُر چالش و ناگزیر رابطه مستقیم با جامعه را برگزیده اند. این ابتکار دارای بُعد فرهنگی،

پداگوژیک و اجتماعی بسیار مهم است و شکلی از دموکراسی مشارکتی را پایه گذاری می کند که در آن کنشگران زن با افکار عمومی و بخش های مختلف و گاه دست نیافتنی جامعه وارد گفتگوی مستقیم و رودر رومی شوند. این ابتکار و تجربه جدید برای همه جامعه ایران اهمیتی اساسی دارد. فراموش نکنیم که هیچ یک از جنبش های اجتماعی مستقل دیگر در سال های گذشته نتوانستند از حد گفتمان و طرح پروژه و تماس از راه دور با جامعه فراتر روند.

نکته دوم، قرار دادن عملی نهادهای قدرت و دولت در برابر چالشی است که مواجه با آن چندان آسان نخواهد بود. آنچه که زنان ایران می خواهند تغییر روابط ظالمانه و تبعیض آمیز است و این در نگاه افکار عمومی ایران

بخصوص نیمه زن آن و نیز مردم جهان مبارزه ای مشروع، عادلانه، مدنی، متمدانه است. این جنبش فرهنگ «طرح مطالبات مشخص» را جایگزین فرهنگ ریشه دار «افشاگری» می کند که مهمترین ویژگی حرکت های اعتراضی سه دهه گذشته در ایران بوده است. مطالباتی که در نگاه هر فرد عادی جامعه هم می تواند شدنی، مشروع و ضروری قلمداد شود پیام زنان ساده و روشن است: «ما برای تغییر قوانین ظالمانه به میدان آمده ایم و این خواست طبیعی ماست به عنوان کسانی که هر روز این تبعیض ها را زندگی می کنند.» نویسن خراسانی احمدی با بیان این مطلب از زنان مسئولین که «ما با مطالبات شما مسأله نداریم مشکل ما شما هستید» به خوبی این بُعد جنبش کنونی و هوشمندانه بودن اهداف

انتخاب شده را بیان می کند. دستگیری ها و یا محکوم به زندان شدن شماری از فعالان این جنبش نشانه دیگری است از اراده دولت در جلوگیری از این حرکت.

نکته سوم، چالش فکری و عملی است که به نظر می رسد این جنبش آگاهانه به استقبال آن رفته است. مهمترین ویژگی جنبش زنان ایران در ۲۰ سال اخیر، تنوع و گونه گونی آن در بُعد فرهنگی و ایدئولوژیک و سیاسی است. چهارچوب های فکری که از سوی فعالین این جنبش در قالب مقالات و مصاحبه ها طرح می شود نشان از تفاوت های نظری و تاکتیکی گاه گسترده دارد. جنبش زنان متنوع و گونه گون است. بدون پذیرش این تنوع و انعکاس آن در پروژه های سیاسی، زنان نمی توانند به جنبشی دارای وزن و اهمیت در جامعه چند پاره ایران تبدیل شوند این جنبش فرصتی است برای تمرین عملی کار جمعی دمکراتیک و تجربه کردن دمکراسی. ۲۵ سال است که جنبش های اجتماعی ایرانی که دست کم در شعار برای دموکراسی مبارزه می کنند در تمرین درونی و یا روزمره خود کمتر با دموکراسی سرو کار پیدا می کنند و گاه حتی با آن بیگانه هستند بدین گونه است که پروژه های سیاسی بیشتر در حد گفتمان باقی می مانند و هیچ گاه در تجربه زندگی اجتماعی محک نمی خورند. صد پارگی و بیماری علاج ناپذیر فرقه گرایی حرکت های اعتراضی ربع قرن اخیر از جمله نشانه ناتوانی آنهاست. برای همزیستی و کار مشترک با حفظ دیدگاه های شخصی و گروهی. در نداشتن تمرین اجتماعی مشخص، تئوری نیز کمتر مجال می یابد در عمل کارایی و اعتبار خود را به آزمون گذارد. زنان در جریان حرکت جمعی خود به سمت این دورنما می روند. دیدگاه های خود را هم به آزمون تجربه و عمل می گذارند و نهادگذار فرهنگ جدید کار جمعی دموکراتیک

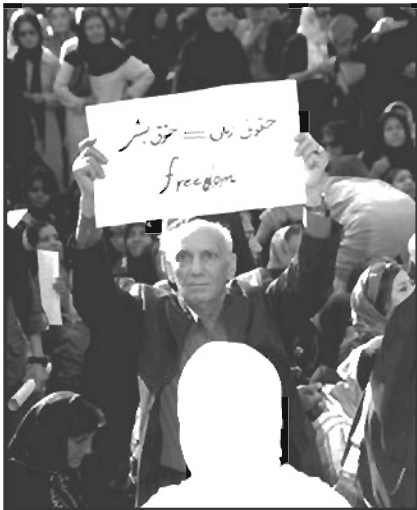
می شوند.

نکته چهارم مربوط می شود به دعوت از مردان برای شرکت در حرکتی که به ابتکار زنان و برای مطالبه حقوق زنان شکل گرفته است. این تجربه یکی از موارد نادر در تاریخ ایران است که مردان به جنبشی می پیوندند که رهبری فکری و عملی اش را در دست ندارند. این نه تنها نشانه یک تغییر معنی دار ذهنیتی در جامعه ایران است بلکه می تواند به نوعی تربیت فرهنگی هم منجر شود که زنان و مردان ما با هم به آن نیاز دارند. زنان ما برای تجربه کردن برابری و پذیرفتن پی آمدهای آن. مردان ما هم نیاز به تمرین برابری جنسیتی دارند برای آنکه همه چیز در سطح گفتمان باقی نماند و نوعی شعور و وجدان اجتماعی برای دفاع صادقانه از برابری جنسی هم بوجود آید. تجربه های کشورهای دیگر هم نشان می دهد که تغییر شرایط زنانه دارای یک بُعد فرهنگی و ذهنیتی است که بسیار هم سخت جان و سمج است و مستقل از ساختارهای رسمی وجود دارد.

این چهار ویژگی جنبش زنان همزمان به چالش های آن هم تبدیل شده است. حساسیت هایی که امروز در برابر این حرکت در نهادهای رسمی بوجود آمده و زندان و سخت گیری های امنیتی دیگر و مربوط کردن این جنبش به تلاش هایی که گویی از خارج از کشور (براندازی نرم) حکومت را هدف قرار داده است، نشانگر دشواری های بزرگی است که بر سر راه زنان قرار دارد. اما شکل گیری جنبش زنان برای گردآوری یک میلیون امضاء با هدف تغییر و برچیدن قوانین تبعیض آمیز بیش از هر چیز بازتاب شکاف اجتماعی و ذهنیتی ژرف روز افزونی است که بین واقعیت های عینی و جامعه شناسانه ایران و فرهنگ تحول یافته نیمه زنانه از یکسو و هنجارها و چهارچوب های قانونی و رسمی از سوی دیگر وجود دارد. این حرکت فقط

ناشی از خواست و اراده چند روشنفکر پراکنده و ناراضی نیست. فریاد اعتراضی است از درون جامعه.

جامعه زنانه ایران در سال های پس از انقلاب ۱۳۵۷ دستخوش تحولات بسیار عمیقی شده است. این تغییرات اساسی هم به رابطه زنان با آموزش، بازار کار و خانواده مربوط است و هم نقش آنها را در تولید فکری، فرهنگی و علمی جامعه ایران در بر می گیرد. داده های این جهش زنانه در ادبیات جامعه شناسانه مربوط به زنان ایران به خوبی بازتاب یافته است. میزان سواد زنان از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۸۴ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با وجود



همه محدودیت های قانونی و فرهنگی، حضور دختران در همه سطوح آموزشی از رشدی بسیار پرشتاب تر از پسران برخوردار بوده است. نسبت دختران در آموزش متوسطه از ۳۷ درصد کل دانش آموزان این دوره به بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. رشد دختران در دانشگاه ها از این هم بیشتر است: دختران بیش از ۵۳ درصد دانشجویان ما را تشکیل می دهند در حالی که این نسبت در سال ۱۳۵۷ از ۳۷ درصد تجاوز نمی کرد. امروز حدود ۶۵ درصد فارغ التحصیلان رشته های علوم پایه پزشکی و علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه ها دخترند.

ایران و شکل گیری ارزش های جدید در میان آنها بازتاب طبیعی و قابل انتظار تحولات دوده گذشته است. در این میان اما ساختارهای رسمی و فرهنگ دولتی و سنتی مردسالارانه و تبعیض آمیز همچنان باقی مانده است. نادیده انگاشتن این واقعیت های جدید، ندیدن شکافی که دنیای ذهنی جدید زنان و موقعیت آنها را از نظام ارزشی فرهنگ رسمی دینی جدا می کند، عدم درک بحران اجتماعی است که هر روز دامنه و ابعاد آن گسترده تر می شود. طغیان قانونی و مشروع زنان در برابر هنجارهای ظالمانه و تبعیض آمیز، یکی از نشانه های این بحران است که به ویژگی مهم جامعه امروز ایران تبدیل شده است. جامعه ای که در آن دنیای بسته فرهنگ رسمی و دولتی که با سماجت به اسلام سنتی تکیه می کند، هر روز از دنیای واقعی زنان دور و دورتر می شود.

ایران ۷۰ میلیونی سال ۱۳۸۵ حدود ۲/۵ برابر کمتر از ایران ۴۹ میلیونی سال ۱۳۶۵ است. خانواده های ۳ و یا ۴ نفره به الگوی هنجاری جامعه تبدیل می شوند و ساختار پدرسالارانه فروپاشیده است. میانگین سن دختران در اولین ازدواج علیرغم تبلیغات رسمی و پائین آوردن سن قانونی ازدواج بطور منظم رشد می کند و از ۱۹ سال در آستانه انقلاب به حدود ۲۵ سال رسیده است. دختران مجردی که بیش از ۲۵ سال دارند به عنوان گروه اجتماعی جدیدی در شهرهای بزرگ ایران شکل می گیرند، رو به افزایش است.

این پدیده های نوظهور و مهم، نتیجه «توطئه ها و دسیسه های دشمنان» نیست بلکه از درون جامعه ایران شکل گرفته است و نشانه پویایی بخش زنانه آن. با وجود تلاش های گسترده تبلیغاتی فرهنگ رسمی و نظام آموزشی

برخلاف آنکه گاه این جا و آن جا گفته می شود، رشد آموزش دختران نه نتیجه خروج گسترده پسران به خارج از کشور است و نه به خاطر امتناع آنها از ادامه تحصیل. تحلیل همه داده های آموزشی ایران نشان می دهد که دختران ایران در رقابت علمی، از سال های ابتدایی و راهنمایی، از پسران پیشی می گیرند و تعداد دخترانی که می توانند به کلاس های پیش دانشگاهی راه پیدا کنند بیش از پسران است و همین نسبت در میان قبول شدگان دانشگاه ها نیز منعکس می شود.

در سال ۱۳۵۷، ایران فقط نیم میلیون زن با تحصیلات عالی داشت، این رقم امروز به بیش از ۴ میلیون زن رسیده است. با وجود ساختار بسیار مردانه بازار کار و موانع عینی و قانونی، روند زنانه شدن بازار کار با شتاب حدود ۶ درصد در سال پیش می رود. اگر در سال های پس از ۱۳۵۷ سیاست های مردانه کردن بازار کار سبب شد زنان کارگر کارخانه ها و یا کارمندان زن ادارات به خانه ها باز گردند، امروز زنان مهندس، متخصص، پژوهشگر و مدیر به بازار کار ایران روی می آورند. برای پاسخ به تقاضای زنان بویژه کسانی که دارای تحصیلات عالی هستند، هموار کردن راه بازار کار و برداشتن قوانین تبعیض آمیز به یکی از مهمترین چالش های اجتماعی کشور ما تبدیل شده است.

رفتارهای جدید جمعیتی زنان یکی دیگر از نشانه های تغییر جامعه شناسانه جامعه ایران است. ما در ایران در حال تجربه کردن نوعی انقلاب جمعیتی هستیم که در جریان آن رفتارهای جمعیتی جامعه بویژه زنان به فرهنگ و تجربه عملی کشورهای رشد یافته نزدیک می شود. در ایران نرخ افزایش جمعیت از ۳/۵ درصد به کمتر از ۱/۴ درصد رسیده است. تعداد متوسط موالید نسبت به زنان تا سه برابر کاهش یافته است. تعداد نوزادان تولد یافته در

اسلامی شده برای جا انداختن و تلقین نظام ارزشی سنتی، دختران به راه دیگری می روند. امروز همه داده های جامعه شناسانه و اقتصادی ایران حکایت از تحولات مهمی در تغییر رابطه قدرت در جامعه ایران دارد. زنان از مصرف کنندگان ساده و مطیع تولیدات فکری، علمی و فرهنگی مردانه به تولید کنندگان فکر، اندیشه و فرهنگ تبدیل شده اند. فردیت جدید زنانه

## دکتر مهناز مسکوب

MAHNAZ MESSKOUB

D.D.S, M.S.

متخصص درمان ریشه دندان

Root Canal  
Therapy

9400 Westheimer  
Suite #1

Houston, Texas 77063

با تعیین وقت قبلی

713-932-7730

RPC3A128BMESSKOUB

# «جنبش یک میلیون امضاء»

## الگویی برای جامعه مدنی در ایران

جنبش نوپایی را سراغ ندارم که با گذشت چند ماه از آغاز آن، مرز جامعه خود را شکسته و در رسانه ها بازتاب جهانی یافته باشد این شناس برای اولین بار نصیب «کمپین یک میلیون امضاء» در ایران شد. چند عامل در جهانی کردن این حرکت دخیل بوده است؛ نخست، حقانیت تاریخی خواست حقوق برابر زنان در ایران

طول یک سال گذشته.

سوم، پدیده جهانی شدن و گسترش کاربرد وسایل ارتباط جمعی دیجیتال مانند اینترنت در پخش اخبار و گزارش های مربوط به کمپین. چهارم، نقش دولت در کاربرد شیوه های غیر اخلاقی و خشونت بار و نسنجیده در

در ایران به نمایش گذاشت. میلیون ها نسخه از تصاویر برخوردهای خشن پلیس که در روز همبستگی زنان در «میدان هفت تیر» به تجمع مسالمت آمیز زنان حمله کردند در سایت های اینترنتی پخش و باز پخش شد و بارها در تلویزیون های پرریننده ای چون سی ان ان به نمایش درآمد. جمهوری اسلامی هیچ گاه تا به این حد دچار خطا و اشتباه محاسبه نشده بود.

آنچه را که من به عنوان یک جامعه شناس از حرکت یک ساله کمپین آموخته ام، در این یادداشت کوتاه بازگویی کنم:

رشد رویکرد پراگماتیستی در جامعه از یک سو، و ناکامی در خواست های آرمان خواهانه و ایدئولوژیک جنبش های اجتماعی از جمله جنبش زنان در ایران از دگرسو، سبب شد که نسل جوان زنان مسیر نوینی را پیش بگیرد که با گذشته متفاوت است. بطوری که در حرکت نوین،

جنبش نوپای زنان به جای تئوری پردازی و ذهنیت گرایی، در پی یافتن پاسخ عملی و ممکن برای پرسش اساسی «چگونه زنان باید از مشکلات خود بکاهند» گام نهاده است. به عبارت دیگر، نسل جوان زنان آموخته است که خواست های حقوقی خود را نه از طریق مباحث

سرکوب حرکات مدنی و تجمعات زنان و پرونده سازی و تشکیل دادگاه های فرمایشی برای آنها. همه این وقایع خشن، اندکی پس از رخداد آنها به سرعت برق در تمام کشورهای جهان بازتاب گسترده یافت و مظلومیت زنان را

که مسؤلان جمهوری اسلامی چشم خود را به روی آن بسته اند. دوم، پشتکار تحسین برانگیز فعالان جوان این جنبش و تلاش متحد و بی وقفه همه دست اندرکاران کمپین یک میلیون امضاء در





روشنفکرانه در پشت درهای بسته و یا اتکا به تشکل های سیاسی، بلکه از کاتال مشارکت عملی و در ارتباط و پیوند علنی و مدنی با مردم کوچه و خیابان پی بگیرد و بیش از همه به خود متکی باشد. بنابراین، به درستی به سمت و سوی فلسفه عمل باوری (pragmatism)، یا فلسفه ابزار انگاری (instrumentalism) و درگیر شدن در پروژه های کاری کشیده شده است. «جنبش یک میلیون امضاء» نماد برجسته این دگرگونی اجتماعی و فکری در ایران است. این دگرگونی در عین حال از تحولات فرهنگی جامعه ایران، آگاهی بخش وسیعی از زنان نسبت به حقوق مستقل خود، سرخوردگی از تشکل های دولت ساخته زنان، پیوند نزدیکتر با آگاهی و تجارب جنبش های جهانی زنان ناشی از جهانی شدن، خبر می دهد. جنبش زنان با پشت سر نهادن تجربه پر هزینه انقلاب و کسب تجربه از اصلاحات عقیم شده دولتی، وارد مرحله

کنونی، یعنی پراگماتیسم یا شناخت راه عملی رفع مشکلات و کسب حقوق خود شده است. همین واقعیت ها و ضرورت هاست که انکار و نفی خواست حقوقی و طبیعی زنان توسط دولت را ناممکن می سازد. نسل جوان، دنیا را

که دنیای نوین در برابر و بر شانه های آنها نهاده است را بر طرف کنند. حرکت نوپای «جنبش یک میلیون امضاء» برای تأمین برابری حقوق زن و مرد، ابتکار بسیار خلاقانه است که «روش» کار آن می تواند سر مشق جنبش های اجتماعی، مدنی، سندیکایی

جمعی، به درستی آگاهانه به ضرورت تحول درونی بافت فرهنگی جامعه برای کسب حقوق بشر و حق برابر شهروندی زنان، تکیه کرده است. این جنبش، چکیده فکری و تجربی چندین

## ویژگی اصلی این کمپین، نخست شکل گیری حول خواست مشخص حقوقی، نه سیاسی زنان است؛

با چشمانی واقعیت گرایانه و حق مدارانه می نگرد او به درستی تکلیف را بدون داشتن حق اجحافی بر خود می شمارد. در راستای همین دگرگونی های چند جانبه، زنان از پیوند تجارب نظری و عملی خود و دیگران، مکانیزم و ابزاری ساخته اند تا بتوانند مشکلات چند وجهی ای

و دانشجویی ایران و حتی برون از ایران قرار بگیرد. ویژگی اصلی این کمپین، نخست شکل گیری حول خواست مشخص حقوقی، نه سیاسی زنان است؛ دوم، استقلال از تشکل های سیاسی و احزاب؛ و سوم، نداشتن سمت گیری به سوی قدرت است. همچنین این کارزار دسته

دهه فعالیت تشکل های زنان در ایران، و تجربه چندین ساله دست اندر کاران کمپین یک میلیون امضاء است. این حرکت بر یکی از اصولی ترین روش های تغییر اجتماعی و ارزش و هنجار سازی، یعنی تحول تدریجی و پروسه ای، از طریق ارتباط

«چهره به چهره» کنش و واکنش اجتماعی، مؤثرترین شیوه آموزشی و فرهنگ سازی، تکیه کرده است. این ابتکار مدنی، قانونی، علنی و غیر خشونت بار می تواند اثرات عمیق و گسترده ای در جامعه به وجود آورد و سرمشق بسیاری از جنبش های اجتماعی در کشورهای دیگر شود. این روش، با آموزش راه و رسم مدنی ارتباط فردی کم هزینه، می تواند در دراز مدت، همبستگی اجتماعی و حتی ملی ایجاد کند. آموزش دهندگان نیز خود همواره در طی کردن «راه»، آموزش می بینند و تجربه خود را صیقل زده با توشه ای بیشتر، از مرحله ای به مرحله دیگر گذر می کنند. کنش گران جمع آوری امضاء با اندک آموزش اولیه می توانند مستقل فردی و یا به صورت گروهی، پروژه جمع آوری امضاء و برقراری ارتباط و ایجاد شبکه جدید و پل های ارتباطی با دیگران را بسازند و «خودآموزی» کنند. با جمع آوری امضاء در عین حال، کنش گران بخشی از ثمره کار خود را بی درنگ لمس کرده و از کار خود احساس رضایت می کنند.

این روش، نتایج کوتاه و بلند مدتی را در پی خواهد داشت. اگرچه نام این کارزار دسته جمعی فراهم آوردن یک میلیون امضاء برای تأمین برابری حقوق زن و مرد است ولی جمع آوری امضاء نتیجه فرعی و بخش کوچکی از این حرکت گسترده و چند وجهی است. آموزش سراسری، فرهنگ سازی، برقراری ارتباط گسترده مدنی و شبکه ای زنان، می تواند از نتایج بلند مدت این حرکت باشد. رشد این شبکه می تواند تصاعدی، سراسری، رسته ای، زنجیره ای، و سیکنی پیش برود. کمپین قادر خواهد بود هزاران نفر را با هزینه مالی نسبتاً اندک و صرف وقت کم، درگیر کار و اهداف اصلاحی خود کند و جنبش بزرگی را به وجود آورد که هزاران نفر در

آن فعالیت آرام و مستمر داشته باشند. این حرکت دلیلی ندارد که حتی اگر به هدف اسمی خود، یعنی کسب یک میلیون امضاء رسید، و حتی دولت نیز با خواست آنها، یعنی برابری حقوق زن و مرد، یا بخشی از آن موافقت کرد، متوقف شود. به نظر می رسد آن مقطع، تازه آغاز کار است. زیرا اولاً این فرآیندی طولانی است، ثانیاً هدف اعلام شده کمپین، تنها یک میلیون امضاء روی کاغذ نیست، زیرا در اساس، ارتباط بسیار ارزشمند هزاران کنش گر فعال حقوق زنان و حقوق بشری است که می تواند در روند تحولات بعدی جامعه نقش فعال و مؤثری ایفا کند و برای خدمت به نیازمندی های حقوقی و اجتماعی زنان، همچنان فعال بماند. زیرا حقوق به دست آمده زنان، اگر حاصل شود، مانند دمکراسی نمی تواند خود محافظ خود باشد. آنگونه که جامعه مدنی محافظ اصلی دمکراسی است، شکل

کارزار دسته جمعی، در آینده کسانی به فراست خواهند افتاد که امکانات گسترده رسانه ای و همگانی را در خدمت اهداف این جریان قرار دهند. این کمپین باید بتواند چهره های خوش نام از گروه های مختلف فکری، هنری، فرهنگی و سیاسی جامعه، از جمله اصلاح طلبان را نیز به حمایت از اهداف انسانی خود جلب کند. آنچه چنان که تجارب جوامع پیشرفته نشان داده است، هیچ جامعه ای نمی تواند پلکان پیشرفت و توسعه خود را بدون مشارکت فعال زنان طی کند. این مشارکت باید با فراهم شدن «حقوق برابر زنان با مردان در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» تأمین گردد. دولت ایران نمی تواند این واقعیت تاریخی را نادیده بگیرد. پس به رغم افت و خیزها، آینده پشیمانانه قدرتمند حرکت کنونی زنان خواهد بود.

مستقل زنان نیز تنها ابزار مدنی حفظ حقوق و ارزش های به دست آمده زنان خواهد بود. در واقع این حرکت استعداد و ظرفیت بزرگی برای اصلاحات وسیعتر و چند جانبه جامعه دارد. ارتباط «چهره به چهره» مانع نشده است که دست اندر کاران کمپین از ارتباط های دیجیتالی خبر رسانی، تبلیغی و ترویجی نیز استفاده نکنند. بی شک با روشن شدن ابعاد و نقش این

## گروه موسیقی چکاوک

با بهره گیری از اساتید مجرب و سال ها تجربه تقدیم می نمایم:

آموزش موسیقی سنتی، پاپ و کلاسیک  
با پیشرفته ترین متدهای آموزشی  
به دو زبان فارسی و انگلیسی

حتی در منزل شما

گامه کیقبادی (کشاورزبان): پیانو و ارگ - ایرانی و کلاسیک  
بهزاد کیقبادی: تار، سه تار، آواز

روزبه کیقبادی: سنتور

بابک کیقبادی: تمبک

مازیار کیقبادی: تمبک

Tel:

713-339-1055

832-367-3950

